



از یک هفته اعلامت در تهران، برای بررسی و تکمیل گزارش خود، ایران را ترک نمود و گزارش خود را پیرامون یکماه -  
ارائه داد. در واقع مجموع نتایج دو سفر ایشان در بهمن ۶۸ و مهر ۶۹ به ایران می باشد، که در ۹۶ صفحه تهیه  
شده و گزار است که در ماه آینده مبنای قضاوت مجلس عمومی سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران  
قرار گیرد. در این گزارش اغانی کالیندویس میگوید که شمار زیاد شکایت نامه، اسناد مختلف و مدارک از منابع  
مختلف به دست وزیر رسید. که همه آنها نثر حقوق بشر در جمهوری اسلامی را که به این امر عادی بدن شده، تأیید  
میکند. به اعتقاد اغانی کالیندویس، ترس از شکنجه و اعدام، موجب شده که شهر وندان عدل و حتی مقامات بلند  
پایه عظام نفتاد با وزیر مورد چگونگی رعایت حقوق بشر در جمهوری اسلامی از افشای بیگیت خود خودداری ورز  
دند و نثرات واقعی خود را بر زبان نیاوردند. کالیندویس میگوید که اغلب ایرانیان از بر ملا کردن موارد نقر حشو  
انسانی براساس هستند و می ترسند شکنجه بشوند و حتی با خطر اعدام روبرو شوند. نماینده کمیسیون حقوق بشر  
در گزارش خود نوشته است که در خانه های مردم عادی با بسیاری از ایرانیان صحبت کرده است اما مردم عادی از  
دادن اطلاعات به وی واهمه داشته اند و خواستار آن بودند که نامشان فاش نشود. بر اساس گزارش اغانی کالیندویس  
اعدامها در ایران همچنان ادامه دارد و شکنجه و بد رفتاری با زندانیان سیاسی امر عادی و روزمره در جمهوری  
اسلامی است. بنا به این گزارش، تعداد اعدامها در فاصله چهار ماه از ژانویه تا ماه مه سال جاری ۱۱۲ مورد  
بوده است. این رقم آمار رسمی است. در حالیکه بنا به اطلاعات منابع دیگر رقم واقعی بسیار بیش از این بود. -  
است. اغانی کالیندویس در گزارش خود میگوید که بازداشت شدگان حق دفاع از خود را ندارند، محاکمات علنی  
نیست، موارد اتهام بلافاصله در اختیار بازداشت شدگان قرار نمیگیرد و متهمین از حق داشتن وکیل محرومند  
اغانی کالیندویس درباره این محاکمه در زندان اوین که خود در آن شرکت داشته گفته است: اطلاعات دادگاه انقدر  
کوچک بود که بجای برای محاکمه علنی وجود نداشت. نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در گزارش خود گفته  
است که وی سعی اثبات خود در ایران قصد داشت با چهار تن از زندانیان زن گوهر پشت که با قبول خطر حاضر به  
تفتگو باور شده بودند، ملاقات و گفتگو نماید. اما مقامات رژیم جمهوری اسلامی مانع از اینکار شدند.  
کالیندویس می نویسد محاکمه و اجرای حکم در جمهوری اسلامی به شکل قرون وسطایی وحشیانه است و از فردی بنام  
"غز حسینی" نام میبرد که ابتدا او را صد شربه شزن زدند و سپس با شمشیر گردن او را زدند. درباره -  
حقوق زنان، نماینده کمیسیون حقوق بشر میگوید در جمهوری اسلامی زنان مورد تبعیض قرار میگیرند. در دادگاهها  
شهادت زنان به عنوان نیمی از شهادت یک مرد به حساب می آید. طبق قوانین قضایی جمهوری اسلامی، شوهر پدر  
برادر می تواند زن، دختر یا خواهرش را به جرم فساد به قتل برساند. اگر دختر باکره ای، جمهوری اسلامی -  
مخلوم به اعدام شود، او باید به زود به عقد مردی درآید، باکره کی خود را از دست بدهد و سپس اعدام شود.  
نماینده کمیسیون حقوق بشر درباره حقوق کودکان میگوید که سن ازدواج برای دختران در قوانین جمهوری اسلامی  
سال است و وقتی دختری ۹ ساله شد، پدر و برادرش میتوانند او را به عقد هر کس که مایل است در بیاورد و شیربها  
بگیرد. اغانی کالیندویس در گزارش خود درباره احزاب سیاسی میگوید که قوانین دواست باعث شده است که احزاب  
و گروههای سیاسی غیر قانونی شناخته شود. در قسمتی از گزارش به بازداشت عده ای از امضاء کنندگان نامه سر  
کشاده به ریاست جمهوری درگیری با مداران با تظاهر کنندگان در استادیوم ورزشی تهران که در آن تیر اندازی -  
ما مورد به نشت شدن ۱۰ نفر و بازداشت عده ای منجر شده، اشاره گشته است. اغانی کالیندویس تأیید نموده است  
که آزادی مطبوعات و آزادی مترمندان و نویسندگان مد و است. او میگوید که چاپخانه ها موظفند برای چاپ و  
استمرار کتاب و نشریه ای از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجازه بگیرند. کاغذ چاپ فقط برای چاپ کتابهای  
که انتشار آنها مورد تصویب قرار گرفته است توزیع میشود. و توضیح میدهد که ممکن با کاغذ آغاز میشود که در دست  
دولت است و اثر نویسنده ای از خط دولت خارج شود. به اندازه کافی کاغذ دریافت نخواهد کرد. در گزارش تاکید  
شده است که مسئولین جمهوری اسلامی تعداد زیادی از معلولین جنس را برانگیزان دادن مکالمات تلفنی مردم گماشته،  
از سوراخهای در بهانه های یستی و تلترامهای مردم مداخله میشود. در مورد آزادی مطبوعات در گزارش آمده  
است که "لیت گزارشها در ریاستی دولت ایران فهرست کامپیوتری بیسی از ۳۵ هزار ایرانی را در اختیار دارد که  
متنوع الخری می باشند." در مورد آزاد منهدر گزارش آمده است که "انجمن کتب مقدسه که مربوط به اقلیتها  
مذهبی است از طرف وزارت ارشاد اسلامی منحص شده است. همچنین در مورد بهائیان گفته میشود که جمهوری اسلامی  
همچنان به تبعیض در مورد بهائیان ادامه میدهد. عده ای از کارمندان دولت به جرم بهایی بودن از خدمت دولتی  
اخراج شده اند و حقوق بازنشستگی عده ای از آنان قطع شده است." در گزارش سیز از اقدامات ترفی جوانان و  
ارباب رژیم نسبت به افرادی که در جریان سفر او اغانی کالیندویس به ایران جنایات رژیم در زندانها را افش  
نمودند سخن رفته است. اغانی کالیندویس با اشاره به نشانیات تلویزیونی در جمهوری اسلامی میگوید که اعترافات  
تلویزیونی کمترین اثر از عدالت نمی کند.



گالیندویس در ادامه گزارش خود میگوید که اطلاعات، اسناد و مدارک در مورد نقض حقوق بشر در ایران انقدر زیاد و متنوع است که این اعتقاد را کاملاً تأیید میکند که موارد نقض حقوق بشر در ایران بسیار بالا است. نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌افزاید که با توجه به ادامه نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی سازمان ملل باید همچنان اوضاع را در ایرات زیر نظر داشته باشد و بدینسان وی خواستار کنترون و نظارت سازمان ملل بر وضعیت حقوق بشر در ایران گشته است.

گزارش نماینده ویژه سازمان ملل در عین کثرت‌دگی دامنه افشاگرسی خود بر علیه رژیم جمهوری اسلامی می‌کسبید - بمای بسیار جدی دارد و از این لحاظ انتقاداتی به آن وارد است. گزارش جدید گالیندویس با توجه به گزارش نسبی دقشتر اسد و مقدر از نارسانیهای محدود در گزارش قبلی را چبران کرده، ولی همین گزارش کامن نیست. اصولاً کار بررسی موارد نقض حقوق بشر در ایران توسط رژیم که اساساً به حقوق بشر باور ندارد و برای اعمال وحشیانه و ضد انسانی خود همواره توجیحات شرعی و اعتقادی پیدا میکند و بمدت بیش از ۱۱ سال بطور مستمر و مداوم حقوق بشر را نقض نموده است، کار ساده‌ای نیست و با سفرین هفته و دو هفته‌ای و بدون بازدید از کلیه زندانهای موجود در ایران و دیدار از مراکز سپاه و کمیته بدون بازدید از محل دفن دسته - جمعی اعدام شدگان سیاسی، بدون دیدار با زندانیان سیاسی در محیطی امن بدون تماس با سازمانهای سیاسی و دمکراتیک علنی و مخفی میهن ... نمیتوان گزارش جامع الاطرافی از مسئله وضعیت حقوق بشر در ایران تهیه نمود. از اینرو گزارش اخیر گالیندویل نیز کامل نبسود. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد باید برای تهیه ین گزارش جامع الاطراف از وضعیت حقوق بشر در ایران، بازدید هیئتها ی نمایندگی خود را از ایران تمسید نماید. در عین حال آقای گالیندویل در گزارش خود به ین سوال مطرح جدی پاسخ نمی‌دهد و آن هم این است که چرا و به چه دلایلی بسیاری از مطالب افشاگرانه بیان شده در این گزارش در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران در گزارش نخست ایشان در سال ۸۸ مطرح نشده بود؟ در حالیکه در فاصله یکساله که از سفر او ن گالیندویل به ایران گذشته، قوانین قضائی و مقررات دادگاههای جمهوری اسلامی، مسائل مربوط به علنی نبودن دادگاهها و نداشتن حق استفاده از وکیل بویژه برای متهمان سیاسی، مسائل مربوط به پائسمال کردن حقوق زنان، سنگسار کردن و شلاق زدن و گردن زدن بسیاری از مجرمین، شیوه تجاوز به دختران باکره محکوم به اعدام، نگهدار سدن حقوق کودکان، اخراجهای وسیع از محیطهای کار و تحصیل مشکلات مربوط به - سانسور و اجازه انتشار کتاب و محدودیتهای رسمی و غیر رسمی مقابل هنرمندان و نویسندگان، قوانین مربوط به آزادی احزاب سیاسی و سازمانهای صنفی، مسئله اعترافهای تلویزیونی ... تغییرات مهم و چشمگیری نکرده است و اضد در اثر موارد کوچکترین تغییری ننموده است و آقای گالیندویل از کلیه این مطالب نیز در جریان سفر او خود در سال گذشته اطلاع وسیع داشتند. اما همه آنها را در گزارش خود منعکس ننمودند. چرا؟ نه تنها مردم میهن ما و خانوادههای شهدا و زندانیان سیاسی و نیروهای آزادیخواه میهن بلکه بسیاری از نیروهای دمکراتیک و مترقی جهان نیز در انتظار پاسخ این سوال میباشند.

اما به هر حال میتوان گفت که آنچه که از این گزارش تاکنون انتشار یافته سند گویایی از پائمال شدن حقوق بشر در جمهوری اسلامی است و شواهد فراوانی از اعمال ضد مردمی و ضد انسانی حکام جهنم و جنایت در ایران را در بر دارد. کوشش در انعکاس وسیع این سند ارزشمند حقوقی و به قصد افشای رژیم ددمنشی جمهوری اسلامی وظیفه همه نیروهای ترقیخواه و آزادیخواه میهن میباشد. در عین حال جمع عمومی سازمان ملل متحد باید در نشست خود که در اذر ماه صورت میگیرد، با استناد به همین گزارش انتشار یافته از سوی گزارشگر ویژه سازمان ملل، رژیم جمهوری اسلامی را بخاطر نقض خشن حقوق بشر، صریح و قاطع محکوم کند و امکانات مناسبی را برای تحت فشار گذاشتن رژیم جمهوری اسلامی بکار گیرد، تا از گسترش جو اختناق و سرکوبدر جامعه و اعدام دؤناره زندانیان سیاسی جلوگیری شود. سازمان ملل متحد با ینستی هیئتها ی ویژه‌ای را جهت کنترون و نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین و رژیم جمهوری اسلامی را مجسود به پذیرش این هیئتها نماید. تداوم بازدید هیئتها ی مختلف سازمان ملل از ایران بدون انز جانبداریها و ملاحظات سیاسی کماکان خواست مردم ایران است. این انتظار همگان این است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد با بررسی دقیق و کامل موارد نقض حقوق بشر در ایران و با صدور حکم حکومتی احکام جنایت پیشه به یاری مردم باز زده و مستعدیده کشور ما برخیزند. نهادمان معتبر بین المللی و از جمله کمیسیون حقوق بشر با برداشتن

**برای نابودی استبداد به بیستی!**

کتابها را چیدن تر و رادار نمودن رژیم جمهوری اسلامی به عقب نشینی واقعی وحشی ( و نه حرکات عوامفریبانه ) میتوانند فاطمانه جلوزحرکات سرکوبگرانه رژیم حاکم ایران را گرفته و مسئولان نظام جمهوری اسلامی را به تاملین دمکراسی و رعایت حقوق بشر در ایران مجبور سازند . ما نیز با چنین اندیشه و روحیه انسانیت که بیسکار مقدر خود را بخاطر دمکراسی برای ایران گسترش میدهیم .

کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران ( داخل کشور )

۳۰ آبان ۱۳۶۹

الطز عیه " کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران ( داخل کشور ) " :

" برابر دفاع از جان پناهندگان ایرانی متخیم عراق متعهد شویم "

هموطنان آگاه ! نیروهای مبارز و دمکراتیک میهن !

در جریان مبادله امرای ایران و عراق عده زیادی از مبارزین اپوزیسیون ایرانی که در خاک عراق مستقر بودند به عنوان اسیر به حکومت ایران تحویل داده شده اند . تعداد ۲۷۰ نفر از آنها اعدام شده اند و اینکه نیز بسیار از آنها را اعدام تهدید می کند . باید پس از آنکه خون بیگناه این عده بر زمین بریزد با افشار این عمن ضد انسانی و جلب افکار عمومی داخل و خارج کشور به یاری آنها شتافت . بیم آن میرود که در پس زد و بند ضد انسانی دو رژیم ایران و عراق عده زیادی از هزاران پناهنده سیاسی مقیم عراق به سرنیشاید افراد مبتدرشوند . با هوشیار همگانی نگذاریم که صلح بین دو رژیم به قیمت جان عده ای از هموطنانمان ت شود . تعرض به حقوق پناهندگان سیاسی و باز گرداندن اجباری آنها به کشوره عملی غیر انسانی و مغایر با حقوق شناخته شده پناهندگی است . سازمان ملل سرخ جهانی و کمیسیون عالی پناهندگان باید متوجه بند و بستهای رژیمهای ایران و عراق گردند و نقش فعالی در نجات دادن مبارزان و پناهندگان مقیم عراق به عهده گیرند .

نیروهای اپوزیسیون ایرانی نیز باید با اتحاد عمن و راکتس سرخ و همگانی بتوانند در جلب افکار عمومی جهان و معانعت از تحویل پناهندگان سیاسی به عنوان اسیر جنگی نقش مهمی ایفا نمایند . جان پناهندگان ایرانی متخیم عراق در خطر است . متحد و یکپارچه با تمام توان به یاری آنان بشتابید .

اول آذرماه ۱۳۶۹

و بوته لیر گل سرخ خننه ما  
گل سرخی را به فتنه نشست  
و نسری خزان

پیمان

تا پادی باقی در برادری .

□  
در هنگامه تنوره بانهای کینه جو ،  
و بنفش لبرهای تیره و مکدر آسمان ،  
در فصل پنهانی گل های اطلسی .  
رقتی .  
رقتی تا که پیمان ماند  
در تراش مرمر اندیشه ،  
و در وزش ملایم نسیم خیال بر امواج ملول الهام ،  
هر تاب پیچش برگ های بید بجنون ،  
در ایستادگی سپیدارها ،  
در خروار و استواری کوه ،  
در لطافت شفاف جویباران ،  
و در خزل های دلنشین حاشانه ای که سرودی .

ماندی

تا پادی باقی در دوستی

که پیمان هست

و عشق می خواند

در آواز چکاره های بهاری

و عشاق می رود

از قطره های خون تو

در یک نگاه

در مکانه تابش انوار زمین خورشید ،  
بر بیچش دردم آلود لبرهای سبکگون  
و سیت لبر روشن آسمان  
در هنگامه وزش نسیم ،  
هر لوزان برگ های سرگردان  
و قرم چکاره ها ،

در بیرون مبارزه دوستی

و میلاد عشق ،

در بلطفه لقرش نسیم پاک

هر گلبرگ های سرخ گلبره عشق ،

تو زاده شدی .

تا سرایش خزل لوله ای باقی

به هنگامه پنهانی گلبرگ های سرخ حاشیه

تا با تو معنا پاید

پیمان

در رقص سوزون و درم غمش گل سرخ کین لنتیه

تو زاده شدی و عشق با تو زاده شد

و پیمان در بیرون هست تا گل کرد .

تو زاده شدی

سهامان

مجازات اعدام لغو باید گردد!

و یکبار نیز در مرداد ۶۷ از کارنار دستی عم زنجیران در اوین نماینده بر پا ساخت به با استپان بید  
زندانیان مواجه شد. او زندگی و زیباییها سر را دریافته بود و کودکان را که امید بشر فردا و زندگی هستند  
بسیار دوست داشت. او همیشه ارزو داشت که "با تنها کودک خرد "غوشید" در یازدهم پانزدهم دنیای یکدیگر  
بروند و وقتی نافرینان بهم میرسند، همدیگر را تنگ در اغوش بگیرند و صدای خنده شان تا آنسر دنیا برود و آنو  
با هم روزی با قدم بزنند و به اهنگ پاهایشان گوس بپسوند ... "دوخیمان رژیم ارتجاعی، به چنین انسانها  
که همه خلافت و توان خود را و همه زندگی و جان خود را بی درین در راه بهروزی مردم فدا میکنند و همیشه از  
نود مسی پرسند که "ایا آنچه باید انجام دهم، انجام داده ام" کینه ددمنشانه ای دارند. منجر بهمیه  
دلین بهمراه دیگر مبارزان امان کلوله بخاری ارتجاع حاکم شد و در صوفهدان فاجعه ملی ۶۷ بخاطره های مرد  
پیسوست.

«یادس گرامی و نامر جاودان باد»



جاودان باد خاطره رفیقت شهید حیدر نیکو

زندگی با تمام فراز و نشیب تالیس محنتها و دشواریها را زیباست و برای ادامه  
ان فید و شرطی نباید باشد چرا که برای زیبایی و شکوه بهائی بس سنگین داده  
شده است. چه زیباست ترنم نغمه های زندگی شما در زیرینت با م در کانسون  
عشق محبت و دوستی. برایم چه شاد و بخشاست تصور در کنار شم زیتن عزیزانی  
که در غلبم جا دارند.

حیدر در دیماه سال ۱۳۳۴ در خانواده ار که پدرش با رنج و زحمت کارگر معاش خانواده را تأمین میکرد  
متولد شد. دوران تحصیلی خود را با موفقیت در شهر ری گذراند، همواره جز "شادردان ممتاز و علاقمند به دارها  
عنی و مطالعات علمی بود و ضمن کار و تحصیل در مدار مشابانه موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی و ورود  
به دانشگاه صنعتی و ادامه تحصیل در رشته مهندسی برن شد.

از خصوصیات بارز روحی و اخلاقی حیدر میتوان بشود کلی از رشد و تکامل احاطات عمین انسانی نام برد که  
مهمتر از همه حسرت و دوستی، گذشت و فداکاری عشق به محرومان و زجر کشیدگان و نفرت از ظالمان و ستمگر  
و صداقت و پاکیزگی و ایالات اخلاقی وی بود. در رابطه با تمامی خصوصیات روحی و اخلاقی و تحت تاثیر تمامی این  
تصویبات عشق او به راه و هدایت و ارمان و الایس حزب توده ایران از همه برجسته تر میباشد.

حیدر در آن دوران جوانی فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز نمود و با الهام از راه و ارمانی که  
برگزیده بود همواره در کنار مردم در فعالیتها رسد رژیم شاه شرکت می نمود، بعد از سرنگونی رژیم فعال  
حیدر در سازماندهی جوانان و زحمتکشان حسن زندگی متمرکز شد. حیدر مشغول سازمان جوانان توده ای  
در شهر در بود. پس از پیوستن به حزب توده ایران در اردیبهشت ۶۳ مزدوران برای دستگیری حیدر به منزل  
آنها پیوسته آوردند ولی حیدر را تیا فتند چرا که حیدر در عرصه دیگر به فعالیتها سر ادامه داد تا این  
بالخره در ۲۱ بهمن ۶۳ در اوج فعالیتها صحن دستگیر و بعد از یکس بلا تکلیفی به ششمان زندان محکوم شد  
ولی در زندان هم دمی از مبارزه در راه ارمان غافل نبود و تا آخرین لحظه از ان دفاع نمود.

دوستان دربار، او میگویند: حیدر یکی از بهترین رفتار در همه زمینه های ورزشی سیاسی و خصوص  
انگیزی بوده حیدر که در دل خانواده زحمتکش پرورش پیدا کرده بود، خصوصیات فرزندان زاده کار و زحم  
را با خود داشت. از روحیه ای بسیار عالی برخوردار بود، علیرغم ظاهر محبوب و آرام خود یکی از پر شوته  
و فعالترین رفتار بود و نه تنها بخاطر پایداری و مقاومت او در راه ارمانها یر بلکه بخاطر انسانیت والا و  
بانی و مددتر در دن همه جا داشت. حیدر احما سرگرم و منظر مرد هردو با هم داشت مادوخیمان او  
سهینه از نسبت تعیین شد. فرار دادند و حیدر با روحیه عالی که داشت صبح شنبه ۵ شهریور با لبی خندان میر  
ولی حیدر همیشه زنده است و یاد او همواره در قلبها جاودانه است.

سرا انجام در ۵ شهریور ۶۷ جزء اولین سری قهرمانان راه خلق در زندان گهر کس گل زیبا ی زندگی برپا شد و  
تا ابد خود و ارمان جاودانه شدند.

«یادس گرامی و نامر جاودان باد»



فرازهای از زندگی شهید قهرمان "نادر قندهاری"

از شرح جان رفیق نادر - متولد ۱۳۲۶ تهران - تا اوایل سال ۱۳۵۹ متاسفانه اطلاعاتی نداریم. رفیقی که در اوایل سال ۵۹ در کانون دیپلمه مبارزین با او آشنا شده است مینویسد که رفیق نادر به خانواده متوسط تعلق داشته و پسران غیام بهمن از سازمان چریکها رفدائی خلیف حمایت میکرد. است و در سال ۵۹ به سازمان کارگران انقلابی ایران "راه کارگر" پیوست و از آن پسر با خود و نیروی تمام و با نام مستعار رسو به تبلیغ مواضع راه کارگر و توزیع نشریات آن پرداخت.

دستگیر رفیق نادر احتمالاً حدود ۱۰ مهرماه ۱۳۶۰ هنگام بازگشت به منزل جلور در خانه اسر صورت میگردد. پسر از بازداشت وی نجات اسر مورد تفتیر قرار میگردد و طی پیروز بدست نمی آید. خانواده رفیق پسر از دوندگی بسیار زندان و رها میابند و برای مساوات و حوله میبهرند. خبر تیرباران شدن را دریافت میکنند. رفیق نادر یکپشت پسر از دستگیر به سرخه اعدام سپرده شده بود.

از رفیق نادر وصیتنامه‌های کوتاه برجای مانده است که نیمی از آن توسط درخیمان قلم خورده است. رفیق نادر در این وصیتنامه سه سطر مینویسد "من زندگی تحرک دوستی و شاد را میپرستیدم و از مرگ نفرت دارم. اما حالا که ناگزیر شده‌ام چاره‌ای نیست. بهرحال روزی می‌مردم."

این پرستنده زندگی تحرک دوستی و شادی چه ترغیب و خونسرد به مرگی اغوش گشوده که از آن نفرت داشته است برای او زندگی بشرط تمکین در برابر ولایت فقیه و بهره‌کشی سرمایه از مرگ نیز نفرت انگیزتر بوده است. او زندگی تحرک دوستی و شادی خود را بدست مرگ میسپارد تا به دست ولایت فقیه نسپرده باشد. عفریت مرگ برای او به مراتب قابل اعتمادتر و امین تر از چهره ولایت فقیه است. مرگ را در می‌یابد کسی که به قون خودش پرستنده زندگی و تحرک و دوستی و شادی بوده تنها به این دلیل که "بهرحال روزی می‌مردم" به استقبال مرگ نمی‌رود. رفیق نادر اگر می‌گوید "بهرحال روزی می‌مردم" میخواهد تصمیم خود را بزرگ جلوه دهد و منت بر کسی نگذارد و مرگ خود را برای دیگران به همان اندازه بی اهمیت جلوه‌گر سازد که خود - هنگام روبروشی با آن احساس یافته است.

وصیتنامه کوتاه رفیق نادر بیوگرافی کامل اوست و چیزی بر آن نمیتوان افزود فقط باید از آن امیخت

"یادش گرامی و نامش جاودان باد"

وصیتنامه احمد قندهاری

من احمد قند هارز فرزند محمد متولد ۱۳۲۶ تهران در شنبه شب ۱۸ / ۷ / ۶۵ وصیت می‌کنم .....  
..... از خانواده خود می‌خواهم که از مرگ من وحشت بی صبری بدست نیابند ..... من زندگی تحرک دوستی و شادی را می‌پرستیدم و از مرگ نفرت دارم. اما حالا که ناگزیر شده‌ام چاره‌ای نیست. بهرحال روزی می‌مردم. وصیت کامل خود را قبلاً نوشته‌ام در دفتر موجود است.

احمد قندهاری

۶۵ / ۷ / ۱۸

**جاوید باد خاطره تابناک شهدای جنبش انقلابی ایران!**

**برای نجات جان زندانیان سیاسی متحد شویم!**

تخریب "کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران" / داش کشر " در ارتباط با تهاجم نظامی رژیم جمهوری اسلامی به نوار اشغال نیروهای مبارز کردستان!

مرکز آزاده و آگاه!

از آبان ماه سال یازدهم رژیم جمهوری اسلامی در راستای سیاست سرکوب و اربعاب در استان، نوارکاهای نیروهای مبارز کرد را در داخل نواحی عراق با توطئه مخرب تهاجم قرار داده است. با توجه به اینکه ساکنین این نوارکاهای را عموماً زنان و کودکان و پسر مردان تشکیل میدهد، خطر این حملات بیشتر متوجه افراد بیگناهی میشود که کمترین قدرت دفاع از خود را ندارند. هجوم ارگانهای سرکوبگر به مبارزین کرد و استفاده از حربه نیرو و سرکوب برای اربعاب مردم کردستان، موضوع تازه ای نبوده و از همان اوان سطره رژیم جمهوری اسلامی پیگیرانه ادامه داشته است. اما تشدید این وضعیت در شرایط کنونی دلایل مشخصی دارد. رژیم به همانگونه که با شروع بحران خلیج فارس و با بهره گیری از انحراف افکار جهان نیان از اوضاع داخلی ایران به بازداشت و پیگرد مبارزین و مخالفین خود پرداخته و جو خفقان حاکم را تشدید نموده، فرصت را برای انتقامگیری از مردم کردستان و نیروهای مبارز این خلق رنج برده نیز مغتنم شمرده و عملیات سرکوبگرانه را به راه انداخته. روستاها و نوار مرزی را محصور به کوچ اجبار از نقاط و اماکن ابا و اجدادی شان نمود و سیاست اسکان آنها را در اردوگاههای اجباری در پی گرفت. و در راستای اجرای این سیاست روستاهای تخلیه شده را با نایبمان نمود، بر میزان تمرکز نیروهای نظامی خود در سطح شهرها افزود چنانکه تحمیلی بر مردم و نیروهای سیاسی غیر کردستان را با شدت بیشتری ادامه داد و بالاخره در پی بهبود روابط با رژیم عراق پایگاههای سازمان نیان سیاسی کرد میهن ما را در خاک کردستان عراق مورد بمباران شدید قرار داد که با توجه به سکوت رژیم عراق در مقابل این عمل میتوان گفت که فبزد در این زمینه هماهنگی های لازم بین دو رژیم ایران و عراق انجام گرفته است. با توجه به این واقعیات میتوان فهمید که خطر کرد و نیروهای سیاسی آن شرایط حساس و دشواری را می گذرانند. از اینرو در راستای دفاع از آزادی و دمکراسی باید به دفاع از این خلق مستمدر دیده برخاست و به هر وسیله ممکن باید جنایات و ارادی کشی رژیم در کردستان را افشا و به نوبت افکار عمومی داخل و خارج کشور رساند. نیروهای سیاسی دمکراتیک کشور با یستی با مساعدت و دفاع از مبارزین کرد آنها را در این شرایط دشوار یاری دهند. بارزین درد نیز در این لحظه حصار مسئولیت دشوار و سنگینی بر دوش دارند. باید با کنار گذاشتن اختلافات و درگیریهای داخلی خود، متحد و یکپارچه به دفاع از جنبش حق طلبانه خلق کرد پرداخته و تجاوزات سرکوبگرانه رژیم را ناکام سازند. وحدت عمل آنان می تواند در جلب افکار عمومی داخل و خارج نفع سیاسی ایفا کند. آنان باید بشعور با افشا و وسیعتر و سریعتر جنایات رژیم در کردستان، توطئه سکوت در این زمینه را خنثی سازند. خلق کرد طی مبارزه حق طلبانه دهها ساله خود، روزهای حصار و دشواری را پشت سر گذرانند و مسلمتاً با اتکا به تجربه مبارزاتی خود، می تواند این روزها را از سر گذرانده و رویاهای حاکمان دد منس جمهوری اسلامی را نقش بر آب سازد. ما اقدام سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی بر علیه خلق کرد و نیروهای مبارز کرد را محکوم می نمائیم و خواهان رسیدگی جدی به این امر از سوی مجمع معتبر بین المللی و بویژه سازمان ملل متحد می باشیم. ما همه نیروهای آزادیخواه را برای دفاع از خلق کرد به اتحاد گسترده تر و مبارزه قاطعتر فرا میخوانیم.

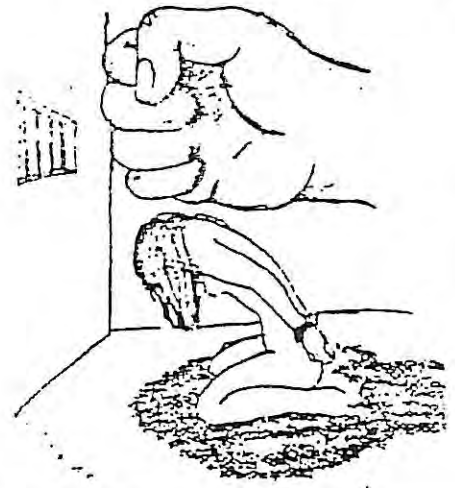
کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخ کشر)

۳۰ آبانماه ۱۳۶۱

کمکهای رسیده به کانون

برلن آلمان - ۵۰۰ مارك	زنان	- ۵۰۰۰ ریال	ایرج
کلن - ۲۰۰ مارك	درویش	- ۵۰۰۰ ریال	امیر
یک مادر بخاری	یک مادر	- ۳۰۰۰ ریال	حمید
۳۰۰۰ ریال	بابک	- ۶۰۰۰ ریال	بچه های شمال
۲۰۰۰ ریال	سیدرضا		

# زن در جمهوری اسلامی



خبرنامه غنوی بین الطلی

پروتن حری ۹۰/۸ سازمان غنوی بین الطلی

حزب پیراسترایس NEIDERÖSTERREICH

بدشکل زنان اختصاص داده شده است. سرمتنه آن تحت عنوان "زن در اسلام" می باشد. در این مقاله که بسیار مفصل است، صحبت از آن است که اسلام بیش از محیط برای کلیه امور زندگی دستور و قوانین تعیین نموده است و تاثیر فرهنگ غربی بر ممالک افراطی اسلامی بدین شکل است که

بخشی از این جوامع به شدت به قبول سنت های اسلامی کتبی نشان می دهند. نویسنده به طور سونه از ایران مثال می آورد که مجازات سگار به ویژه در مورد زنان در قبایل زنا انجام می گیرد. از این پس برای دنیای غرب روشن شده است که اسلام بینی است که زنان تحت تعقیب و پیگرد بیشتری قرار دارند. از دید دیگر با مطالعه قرآن توضیح می دهد که در خلاف تمیزیاتی که این گونه اعمال در نهن سن بسیار می کند. در اسلام موازین انصاف

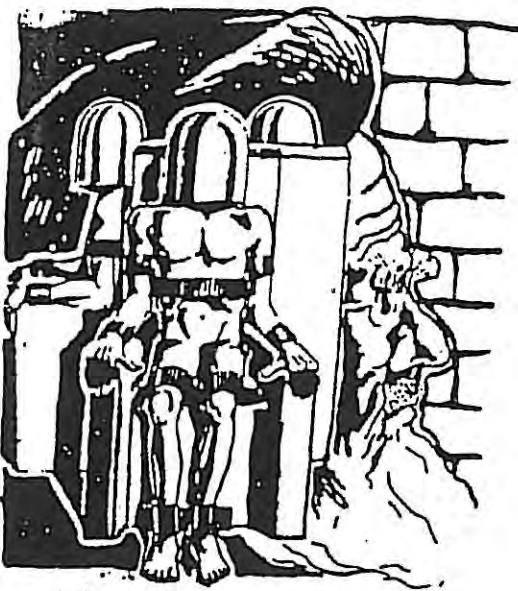
و ترجم و اسباب نیز مطرح شدند. قرآن ماسد تورات مرد را مخاطب قرار می دهد. برکنده به طور مفصل از حق طلاق برای مردان صحبت می کند و این که زن باید تسلیم سزاست و اراده مرد باشد. از طرفی مرد موظف است که حقوق زن خویش را مراعات نماید. که در واقع مراد و ارزش اخلاقی مرد را رساز او با روحیات معین می سازد. سایرین زن در اسلام موضع اجتماعی خود را از طریق مرد پیدا می کند.

در این مقاله با مقام ویژه مادر

در اسلام به طور متوسط برخورد شده است. این که در مقام اجتماعی خویش را در چارچوب خانواده می یابد. در جای دیگر از برخورد اسلام با روابط جنسی تعریف می شود و نکر می کند که قرآن برای روابط زناشویی برخورد مسئولانه و اهمیت والائی قائل است و روابط جنسی خارج از محدوده زناشویی تحریم گشته است. در ممالک اسلامی زن خارج از چارچوب خانواده عملاً از حقوق برابر سیاسی و اجتماعی برخوردار نیست و میدان عمل فعالیت او بسیار ناچیز است.

## توجه

اشتراک مرد و زن به صورت برنامه رسمی شده این شایعه حقه به دفتر مجله ترجمه و دستگیری ۱۰ نفر را پخش نمود که در بررسی راه پویا نیز نامگس یافت. پخش این شایعات با هدف ایجاد و تشویش قرار در بین مخالفان و از جمله نویسندگان و روشنفکران مسرت به برنده است.



برای آزادی زندانیان سیاسی

مبارزه خود را تشدید کنیم!



روز شنبه ۶۹/۹/۳ در دانشگاه الزهرا حادثه‌ای اتفاق افتاد که منجر به عدم سخنرانی آیت‌الله یزدی ریاست قوه قضائیه در آن مکان گرد.

بر اساس این گزارش در شروع برنامه، تعداد زیادی از طلبه مکتب نجف مشهد و حوزه علمیه نهج شاره‌آبادی و عدای از کارکنان و دانشجویان دانشگاه امام صادق در محل حضور یافته و اجرای مراسم از جمله اعلام برنامه، قرائت قرآن و دیگر مراحل برنامه را در دست گرفتند.

قبل از سخنران اصلی مشول مکتب نجف مشهد پشت تریبون قرار گرفته و ضمن اعلام بازگشایی اولین مجمع فرهنگی خواهران دانشجویان ادامه این برنامه در آینده را مورد تاکید قرار داد.

این مساله باعث اعتراض انفرادی دانشجویان گردیده و سعی نمودند بگونه‌ای که نظم جلسه حفظ شود از بروز تشنج جلوگیری کنند. اما گردانندگان برنامه به دانشجویان معترض با جمله «به شما مربوط نیست» پاسخ می‌گفتند.

بنا بر اظهارات دانشجویان هنوز سخنرانی خانم طاهایی به اتمام نرسیده بود که حضرت آیت‌الله یزدی به جلسه تشریف آوردند و دانشجویان با سر دادن شعار صل علی محمد، یار امام خوش آمد از ایشان استقبال نمودند. پس از اینکه ایشان به پشت تریبون تشریف بردند نماینده دانشجویان به مقابل جمعیت آمده و اعلام نمود (خطاب به آیت‌الله یزدی) «حاج آقا دو کلمه صحبت دارم». ایشان فرمودند «حتی یک کلمه». به دنبال عدم پذیرش ایشان صلواتهای مکرر فرستاده شد و دانشجویان جهت گرفتن پاسخ آرام نشدند. ایشان دوباره فرمودند: «ما حاضریم باز هم صلوات بفرستید، ما می‌شنویم اگر فکر می‌کنید با این روش من از اینجا می‌روم مطمئن باشید من از اینجا نخواهم رفت». دانشجویان مجدداً صلوات فرستادند.

و جلسه با شعار ادامه یافت. بار دیگر یک دانشجویان به نمایندگی اجازه صحبت خواست که موافقت نشد. دانشجوی دیگری خود را به طرف میز مجری برنامه رساند تا با در اختیار گرفتن بلندگو موفق به ابراز نظر خویش شود و علت اعتراض دانشجویان را مطرح نماید که با مخالفت مجریان برنامه و اقدامی زشت توسط یکی از محافظین به جمع دانشجویان بازگشت.

و در اینجا آیت‌الله یزدی با اظهار این جمله که: «من تا دانشگاه به رشد فکری نرسد برای سخنرانی نمی‌آیم.» جلسه را ترک کرد.

مراسم روز سیزده آبان شیراز بعد از درگیری بین دانشجویان و نیروهای شهربانی انجامید و تعدادی از دانشجویان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و تعدادی دیگر از آنان بازداشت شدند.

در جلسات ستاد تبلیغات این شهر که با حضور انجمن اسلامی دانشجویان و نهادهای دیگر دانشگاه، سازمان تبلیغات، کمیته انقلاب اسلامی، استاندار و... تشکیل شده بود مقرر گردید که مجری برنامه مراسم سیزده آبان، از دانشجویان بوده و قطعنامه راهپیمایی نیز پس از تصویب ستاد از سوی دانشجویان قرائت گردد. در این جلسات همچنین مقرر شده بود که از آیت‌الله جوادی آملی به‌عنوان سخنران دعوت بعمل آید و در صورت وجود مشکلی در این رابطه آقایان موسوی خوئینی‌ها وری شهری بعنوان کاندیداهای بعدی مدنظر بودند. این مصوبات که مورد تأیید و تصویب اعضای ستاد قرار گرفته بود از سوی آقای حائری شیرازی مورد مخالفت قرار گرفته و ایشان رأساً وبدون هماهنگی با نهادهای ذیربط و مسئول مجری مراسم را از اعضای ستاد نماز جمعه شیراز تعیین و آقای فاکر را برای ایراد سخن دعوت کرد ایشان در مورد قطعنامه راهپیمایی نیز گفته بودند که قطعنامه باید برویت و تصویب نهائی من

برسد. باتوجه به مخالفت امام جمعه شیراز با مصوبات جلسه هماهنگی تبلیغات و هماهنگی استاندار با ایشان مراسم سیزده آبان بدون حضور دانشجویان آغاز به کار کرد. در این حال دانشجویان بر لزوم اجرای مصوبات ستاد هماهنگی اصرار ورزیده و طی تماسهایی با مسئولین اجرایی شهر اعلام داشتند که طبق مصوبات جلسه، راهپیمایی را برگزار خواهند کرد. دانشجویان حوالی ساعت ۹/۳۰ دقیقه به محل برگزاری مراسم رسیده و طی تماسی با مسئولین حاضر درخواست می‌کنند که حداقل مصوبات جلسه اجرا شده و به دانشجویان اجازه قرائت قطعنامه داده شود که این درخواست مورد توافق قرار نمی‌گیرد. این پیشنهاد که بعنوان آخرین راه حل پایان منطقی این درگیری ارائه شد نتوانست بصورت مسالمت‌آمیز به این مناقشه پایان دهد و در نتیجه دانشجویان با سردادن شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر ضدولایت فقیه خود را به تریبون برگزاری مراسم رساندند. در این لحظه که آقای فاکر جهت سخنرانی در پشت تریبون قرار گرفته بود با لحنی تند ابراز داشت: «اینان منافقین جدیدند، نوع اول مجاهدین بودند، نوع دوم بنی‌صدری‌ها و نوع سوم اینها هستند».

وی پس از ادای این جملات به رئیس شهربانی که در محل حضور داشته می‌گوید که بلندگوی اینها را قطع و آنها را ساکت کنید. در این هنگام رئیس شهربانی خود را به پشت تریبون رسانده و به نیروهای تبهت امر خود دستور دخالت می‌دهد.

نیروهای شهربانی نیز ضمن جلوگیری از حرکت دانشجویان به سمت جلوه با هجوم به آنان

یکی از دانشجویان شعار دهنده را از روی ماشین پایین کشیده و سپس از ضرب و شتم او را دستگیری کنند. در همین حین با افزایش تدریجی نیروهای شهربانی تعدادی از درجهداران و حتی افسران ارشد شهربانی نیز در این غائله دخالت کرده و تعدادی را دستگیر می‌نمایند.

این کشمکشها تا پایان سخنرانی آقای فاکر ادامه داشت و دانشجویان در حالی که آثار کتک خوردن و کوفتی در آنان مشاهده می‌شد از اطراف جایگاه عقب رانده می‌شوند.

در این مراسم حدود سی تن از دانشجویان دستگیر و ده نفر از آنان به کلانتری منتقل و پس از ادامه ضرب و شتم در طول مسیر و در کلانتری به زندان عمومی منتقل می‌شوند. این افراد با وساطت دانشجویان و وزارت اطلاعات پس از چند ساعت آزادی می‌شوند.

انعکاس این رویداد در تهران نیز با عکس‌العمل‌هایی روبرو بود. در همین رابطه تعدادی از نمایندگان مجلس از وزیر کشور و ریاست جمهوری، خواستار پیگیری این ماجرا شدند. گفته می‌شود هیئتی نیز از سوی اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان و شهربانی برای بررسی موضوع به شیراز اعزام شده‌اند.

در طول این کشمکش از سوی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز و علوم پزشکی اطلاعیه‌هایی منتشر شد که در آن به نحوه برگزاری مراسم روز ۱۳ آبان در شیراز اعتراض شده بود. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «با وجود نقش دانشگاهیان در پیروزی انقلاب اسلامی و تاکیدات امام امت و رهبری معظم انقلاب مسیبنی بر ضرورت حضور دانشجویان در مسائل سیاسی در جریان برنامه‌ریزی مراسم سیزده آبان شیراز شاهد برخورد های خطی و بانندی که با کوفت فکری سعی در القاء تفکر جدائی سیاست از دانشگاه و مطرح نمودن جناحی خاصی در مراسم داشت، بودیم. این مطلب پس از تشخیص نهادهای دانشگاهی به عاملین تذکر داده شد... ولی در عمل ستاد هماهنگی مراسم سیزده آبان بعنوان یک مجموعه دکوری تلقی شده و آقایان با الهام از رهنمودهای بانندی و جناحی بزرگترین توهین را به نهادهای مختلف شرکت کننده در این ستاد کرده و در چندین مورد برخلاف مصوبات عمل کردند».

## زلزله زدگان سرمازده

### جاده رشت - قزوین را بستند

در پیستم بهرماه، موج سرما طوفان سرما را بر سر انسان کپلان را فرا گرفت. جاده‌های زلزله زدگان را با طوفان با خود برد و پا در سبیل و گداز فرو رفتند. مردم شب‌ها با بد و سردی و غذا در میان طوفان و سرما به صبح آوردند. زلزله زدگان به شدت آه از صبح صبر بست و یک سیر از شهرهای رود بار، جیند و لوشان و رشت آباد بخرف سار، قزوین - رشت حرکت کرده و جاده را مسدود کردند. آنها در طرف پل لوشان را با لوله آهسی حوزن دادند. سیر جاده برقی لوشان - رشت را بسته و در نام سیر سگهای بزرگ گذاشتند. صحت - زلزله زدگان زلزله زدند، سازمان را به کویگان کرده می‌گفتند: "بند بر ایسا بنایند تا ببیند که ما چه سری در میان برد و سرما می‌کنیم. مردم به مردم شهرهای دیگر تکیه تا به مشغول زخم فشار آورند که تسکین لازم را در اختیار ما بگذارند". آسپاک به شدت شناسایی بود. به چند می‌مانند که صد جان تن در اسعه را داشته، با جویب و سنگ حله کردند.

مردم در واکنش به لغزش به حق زلزله زدگان مردمان خود را گه زانده امری، گشت ناسی و سپاه گشته تا نیروهای مدد نرند با بیست سرکوب مردم گسل داشت. مردم در مقامه بنا نزد روان، خود را به سنگ انداز و جویب سبب کرده و با آتش زدن لاشه‌ها در طول سیر، نتوانستند صحنه مقابله مسدود با آنان حتی چند همه اسلحه را به نیست کردن یکی از میزبان های زنده امری لغزش از رشت را نیز گویگان بگردد. گفته می‌شود، سوره‌های نظامی صلی با زلزله - زلزله زدگان خود را در نشان داده اند. همگی سیرهای رسیده حاکی است که و آمدن های صحت سپاه و دستور داشته بود مردم پسر - اندانی کنند، اما به شدت بعضی زلزله زدگان

سایر نیروها، از این کار سمانت به عمل آمده اند. اردو گسی گسترده ای سوره با مردم جلوس گوی می‌شود. در پی این درگویی، مشولان حکمیت و از جمله حبسی معانی اول رفتن جانی و ناپسند رود بار در مجلس در محل حضوریات و تسلی رسیدگی مایل به حواس معانی زلزله زدگان کار می‌دهند. در رابطه با می‌نزل از طرف آنها با یک با نتیجه به سلاب شد و در که بریز رشت و شهرها و روستاهای اطراف آنها گرفته و امر کله رسانی به منطقه را با مشکلات جدی مواجه کرده بود. زلزله زدگان مواظبت می‌کنند تا جاده باز شود و مهلت پنج روزه ای برای مشولان مزم تعیین می‌گردد. از درگوییها و دستگیری سیاسی احتمالی اعلامی در دست نیست.

دهبران و مشولان مزم حتی مدت چهار ماه پس از وقوع زلزله در هشتاد، به تنها اقدام موثری در جهت کمک به زلزله زدگان انجام دادند اما مانند و کلبا و پارسانی از طرف مردم و گسود های حان را به غارت برده اند، بلکه به تشریف و رفاهات اخبار و سرکوب اعتراضات متوسل شده اند. مردم در تشریف مزم، بلا معامله بعد از سه روز شدن جاده، اعلام کرد که جاده قزوین - رشت بسته شده و ملت آراسید و بیژن گسود هوان شود. متعاقب آن، رسانهای مزم بعد از یک ساعت سرد آمدند که با تلاش سازمان آماره راه، ای جاده باز شده است. هنوز هم

رسانه های مزم سکوت کرده و هیچگونه حمی از لغزشات و درگوییهای زلزله زدگان پیش نکرده اند. هم‌اکنون نیز نیروهای سرکوبگر مزم در سرنا سرخه پراکده هستند و خطر درگویی سرکوب زلزله زدگان وجود دارد. نباید به حاکمان ساینکار اجازه داد به جای پاسخگویی به حواسهای برحق زلزله زدگان، در حفا خود آنان را بر زمین بریزند.

### از صحت های زلزله زدگان :

اتفاقهای لغزی ساخته شده برای اسکان ما، با هنوز آماده نیست و ما برای امداد دولتی در نظر گرفته شده. آنچه رقیبت این اتفاقها با این است که در شبیل بدست آنها را از جا کنده و برده است. هنوز خبری از این نیست که بهی های ما بریزند. غذای خود را با بدی بهی ما بدیم تا سر نشوند. بعضی وقتها شب را گریخته به صبح می‌رسانیم. آخر کسی می‌خواهد به وضع ما رسیدگی کند؟ تا کی رمد و زوهد؟

ما اینها خانه ندانیم، نه آب داریم، نه غذا، نه دستشویی، نه حمام، هیچ چیز ندانیم؛ نه کار داریم و نه سرا به، نغزند انسان از گرسنگی و سرما بیمار شده اند. همه چیزمان از بین رفت. تا کی می‌نوام سرگرم؟ گشکهای مردم کجا رفت؟ این همه گشکهای خارجی چه شد؟ تا کی می‌خواهد به ما مردم دروغ بگویند؟

## بخشنامه محرمانه ضد کارگری

مردی نیست که مشولان اشتیاق مزم در جهت ابرایش اشتیاق و کنترل حرکات مردم می‌شود. اتحت بدی نیست. امیر وزارت کار و امور اجتماعی، بخشنامه "بسیار محرمانه" صادر نموده و به ادارات تابعه و کارفرمایان و پیمانکاران دستور می‌دهد که در این بخشنامه از مشاهده هر یک از موارد زیر مراتب را سریعاً گزارش نماید:

- ۱- لغزش کارگران به ساعات کار؛
- ۲- لغزش کارگران به تغییر شیفت؛
- ۳- لغزش کارگران به طرح طبقه بندی مشاغل؛
- ۴- درخواست اجراء طبقه بندی مشاغل؛
- ۵- حوادثی مانند آتش سوزی؛
- ۶- توقف و یا کاهش تولید؛
- ۷- تعطیلی کارخانه؛
- ۸- اعتراضات و تجمعی؛
- ۹- لغزشات در مورد تعویق پرداخت حقوق؛
- ۱۰- اسراج و یا تملیق کارگرانی که اسراج آنها با لغزش سایر کارگران مواضع می‌گردد.

## سازمان اطلاعاتی ویژه

اشتراک از حائل درون حاکمیت خبری رسد که مشولان مزم به سازمان اطلاعاتی ویژه تشکیل داده اند که وظیفه آن کنترل نیروهای درون حاکمیت است. اساسی امراد "ناطلبی" برسد به آن سازمان تهیه و در اختیار دولتمردان طرار اول مزم قرار می‌گیرد.

## بخشنامه محرمانه

اشتراک بخشنامه محرمانه ای به رسانه های گرومی مزم ابلاغ شده که در آن موارد زیر تذکر داده شده است:

- الف- در رسانه های گرومی هیچگونه توهینی به عدم نشود.
- ب- به مسئله اسرا کمتر پرداخته شود و بهتر مسئله بهی در جنگ: آیم نه از زبان مشولان نظام بلکه از زبان مردم! مطرح گردد.
- پ- از وضعیت اسرا در زبان اسارتشان در عراق چیزی گفته نشود.

البته باید گفت که در گویهای درون حکومتی باعث گردیده این بخشنامه آنطور که دلخواه سران مزم است، اجدی گرفته نشود.

## گشت اختی - نظامی در کوهها به راه

مدتی است تپهای گشت و کنترل در کوه - پایه های تهران برقرار کرده است. همراه این تپهای چند نفره که مسلح می‌باشند، بهی می‌نشیند و وجود دارد که با مرکز ویژه این گشتها در تماس است. وظیفه ایسی مردوان بازمیسی سرپایی و دستگیری افرادی است که مشکوک به سایه سیاسی هستند.

## اعمال فشار بر فعالین سابق سیاسی

در هفته های اخیر حده ای از فعالین سیاسی سابق و زندانیان سیاسی آزاده شده در تهران و برخی شهرستانها، مجدداً دستگیر گردیده و مورد بازجویی قرار گرفته اند. علت این اشتیاق مزم به ویژه این افراد را تحت فشار می‌گردد تا با ساواک مزم همکاری نمایند. طبق شواهد موجود، دانسته این اقدامات محضاً افزایش یافته است.

با تمام امکانات بیاری خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی - بختابید!

بهت رسیدی - ایران بدون حمایت از رزمندگان سیاسی ایران، در این کشور نشانی از آزادی و عدالت ندارد.  
از اطلاعیه های "سازمان عفو بین الملل"

سازمان عفو بین الملل در ۲۹ سپتامبر (۷ مهر) اطلاعیه ای منتشر نمود و در آن اطلاعیه از آزادی موقت (مرخصی) شماری از زنان زندانی وابسته به گروه های چپ خبر داد. عفو بین الملل در این اطلاعیه خ نشان ساخت که این زنان که در مرخصی بسر می برند همچنان بشدت زیر نظر هستند.

سازمان عفو بین الملل در نشریه ماه اکتبر (۹ مهر تا ۹ آبان) از علی اردلان به عنوان يك زندانی عقیدت نام برد و خواستار ارسال تقاضایی بعد فتر رئیس جمهوری برای آزادی وی شد. این نشریه نوشت که علی اردلان يك کارمند بازنشسته دولت در ماه ژوئن ۱۹۹۰ به اتفاق بیش از ۲۰ تن دیگر به خاطر امضای يك سرگشاده به رئیس جمهوری که در آن از نقض آزادیها و حقوقی که قانون اساسی آن را تضمین کرده است شده بود بازداشت شد. عفو بین الملل در این نشریه خواستار ارسال تقاضاهایی شجاعانه برای آزادی نوری اردلان به آدرس دفتر ریاست جمهوری شد. عفو بین الملل تاکید نموده است که زندانیان مکررا برای اعترافهای تلویزیونی در مورد بی اعتبار ساختن "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" تحت فشار هستند.

### از نامه ها و اطلاعیه های "نهست آزادی ایران"

در تاریخ ۱۷ آبانماه ۱۳۶۹ نهضت آزادی ایران به آقای رفسنجانی ریاست جمهوری نوشته اند و اظهار در مصاحبه با مجله لوموند در باره علت دستگیری بسیاری از امضا کنندگان "نامه ۹۰ نفره" را دخالت مجریه در قوه قضائیه دانسته اند. در نامه نهست آزادی ایران به عاظمی رفسنجانی آمده است:

" شما در مصاحبه با خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند در باره علت دستگیری امضا کنندگان نامه ۹۰ نفره اردیبهشت ماه گذشته فرموده اید: "سیاست جمهوری اسلامی این است که کسی را بخاطر اظهار نظر مخالفت سیاسی تحت تعقیب قرار دهد. بیان مسائل گوناگون از تریبون مجلس شورای اسلامی بطور آزاد گواه بر این مدعاست لکن در مورد لیبرالهایی که اخرا دستگیر شده اند گمانی بودن که ما سیاست جاسوس پیدا کرده اند و از آمریکا دستور می گرفته اند و الا ما دلمان نمی خواست که آنها بازداشت شوند"

شما در مقام ریاست جمهوری به اور دست جمعیتی به اشخاصی و به گونه ای نسبت جاسوسی داده اید که هیچ دادگاه قانونی مورد رسیدگی و اثبات و محکومیت قرار نگرفته است و خود این اتهام از نظر فقه اسلامی و قانون اساسی و بر طبق اصول اخلاقی و حقوق بشر جرم محسوب می شود. مضافا به اینکه دخالت رئیس قوه مجریه در قوه قضائیه با اصل ۵۷ قانون اساسی مبنای آشکار دارد.

نهضت آزادی همچنین در اطلاعیه ای به مناسبت ملاقات مهدی بازرگان و ابراهیم یزدی با آقای رینالدو گالیند ویل نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در زمان اقامت وی در تهران اعلام کرد که:

" بنا به اطلاعات شایع هیئت کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل م وفق به ملاقات با بیش از شش نفر از زندان آنها در حضور ماموران دولت شد. و بسیار بعید است که اعتراضات آزادانه دریافت کرده باشند."

درخواست رادیو درفش کاویان از مردم به مناسبت هفتمین روز درگذشت سیروس الاهی

رادیو درفش کاویان، "متعلق به سلطنت طلبان از مردم ایران خواست که در ساعت ۹ بعد از ظهر هفتمین روز درگذشت سیروس الاهی (که توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در پاریس ترور شده بود) و به یاد بود ایشان چراغهای منازل محل کسب و عمر جای دیگری را خاموش کنند این رادیو از کارکنان نیروگاههای برق در سراسر کشور نیز خواست به نحوی که صلاح میدانند برق را قطع کنند.

**به کارن حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور) بیونید  
و از مبارزات ترقی خواهانه آن دفاع کنید!**





ما ازادی خانم فاطمه حسین زاده - طوسی مقدم (گیتی انزنگ) را به وی و خانواده

رنج دیده اش تبریک می گوئیم!

با خبر شدیم که خانم فاطمه حسین زاده - طوسی مقدم ، شناخته شده به نام گیتی انزنگ ، در آبان ماه ۱۳۶۹ پس از هفت سال اسارت در زندانهای جمهوری اسلامی ازاد گردید. خانم گیتی انزنگ در ۱۳۶۲ همراه با همسر قهرمانش رفیق سعید انزنگ دستگیر گردید. پس در سالهاش نیز به همراه او به زندان افتاد و ولی بعد از مدتی کوفت از اسناد و تحت سرپرستی خویشاوندانش قرار گرفت. جلادان رژیم رفیق سعید انزنگ را به در تیرماه ۱۳۶۷ اعدام نمودند و پس از آن فشار به همسرش گیتی انزنگ را بیشتر و بیشتر کردند. در مرداد ماه ۱۳۶۹ و بدنبال عقب نشینی رژیم در نزدیکی زمان ورود نماینده کمیسیون حقوق بشر به ایران و در پی "مرخصی دادن به زندانیان" گیتی انزنگ نیز به مدت موقت اجازه مرخصی از زندان را گرفت. تا آنکه در آبان ماه ۱۳۶۹ پس از هفت سال اسارت در سیاهچالهای رژیم جمهوری اسلامی ازاد گردید. ما ازادی خانم فاطمه حسین زاده - طوسی مقدم را به او و خانواده رنج دیده اش و به پسر ۹ ساله اش و همچنین به خانواده داغدار انزنگ که اینک عروس قهرمان خود را در کتار خود می یابند ، تبریک می گوئیم و از مصیبت قلب بهر روز رسالت همیشگی او را ارزو مندیم.

خانم فاطمه ایزدی با یاد ازاد گردید

دکتر فاطمه ایزدی ، دکتر طب در سال ۱۳۶۲ با زداشت گردید و در یک "دادگاه" "سربانی" به ۲۰ سال زندان محکوم شد. که پیش از او با زداشت شده بود ، در جریان کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در سردلاورس. سال ۱۳۶۷ اعدام گردید. دکتر فاطمه ایزدی در پی عقب نشینی های رژیم و تن دادن به "مرخصی موقت" به زندانیان سیاسی زن ، به مدت محدودی از زندان ازاد گردید. اما مزدوران رژیم پس از اتمام این مدت بنیاز محدود ، بار دیگر او را به زندان اوین فراخواندند و در بازداشت آنها ی قرون وسطائی خود زندان نمودند. دکتر فاطمه ایزدی از مبارزین سیاسی پر سابقه و از زندانیان سیاسی دوران شاه نیز بوده است. در زندان او به سل شده است و اینک نیز تحت فشارهای شدید قرار دارد. ما خواهان ازادی فوری و بدون قید و شرط خانم فاطمه ایزدی و کلیه زندانیان سیاسی میهن می باشیم.

کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور) - آبان ماه ۱۳۶۹

هم میبازارایم را تاگزینیم انتشار اصنام، دیدار خلقی و زندانیان سیاسی کنه ا

تاریخ اعدامها و محل دفن مبارزین اعدام شده باید بطور دقیق به خانواده های آنان اطلاع داده شود

متن کامل و دست نخورده و صیغنامه شهدای قهرمان باید به خانواده های آنان ارائه گردد!